

Returning to say thanks

(Sermon preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist on October 12th, 2025 – Luke 17:11-19)

در ۱۲ اکتبر ۲۰۲۵ - لوقا ۱۹:۱۱-۱۷)Footscray Baptist(ایلیامز در

سرو کردن بسته‌های گوشت به بیش از ۱۲۰ نفر می‌تواند بسیار دشوار باشد. باید مطمئن شوید که افراد یکدیگر را هل نمی‌دهند، غذا به طور مساوی تقسیم می‌شود، دعوای را به دیگران ارجاع دهید، با افراد بی‌ادب برخورد کنید، به کسانی که ناراحت هستند دل‌داری دهید. اغلب مجبورم نقش «پلیس بد» را بازی کنم. بعضی افراد بسیار سپاسگزار هستند، بعضی دیگر می‌توانند بسیار بی‌ادب باشند. هفته‌ی پیش، بعد از یک صبح به‌خصوص پر استرس، مرد مسنی که تازه غذا خورده بود، به آرامی بازویم را لمس کرد، او مرا به اسم صدا زد و فقط برگشت تا تشکر کند. این روز من را ساخت و کاملاً غیرمنتظره بود.

چرا گاهی اوقات تشکر کردن اینقدر سخت است؟

استرالیایی‌ها اغلب در این کار، چه در دادن و چه در گرفتن آن، خیلی بد هستند، ما اغلب آن را به شوخی می‌گیریم، گفتش سخت است و حتی دریافت تشکر سخت‌تر است. واقعاً نمی‌دانم چرا - شاید از اینکه چقدر احساس آسیب‌پذیری به ما می‌دهد، می‌ترسیم.

وقتی به نسل فعلی‌مان نگاه می‌کنم، به نظر می‌رسد که مردم وقت کافی برای تشکر کردن ندارند. برای مثال، امروزه چقدر پیش می‌آید که مردم برای ماشینی که تازه سوار شده دست تکان می‌دهند و از او تشکر می‌کنند. ما در زمانی زندگی می‌کنیم که به نظر من مردم به جای اینکه احساس قدردانی کنند، خود را محق می‌دانند.

کتاب مقدس ما هنوز پر از یادآوری‌هایی برای تشکر کردن است، مزامیر پر از یادآوری‌هایی برای تشکر از خدا برای همه چیزهایی است که داریم، پولس در بسیاری از نامه‌هایش به شنوندگان و خوانندگان یادآوری می‌کند که در همه زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌ها تشکر کنند.

آهنگ‌هایی که امروز داریم و خواهیم خواند، همه درباره شکرگزاری از خداست، به همین دلیل است که من آنها را انتخاب می‌کنم. امیدوارم هر هفته متوجه شده باشید که دعای آغازین ما معمولاً دعای شکرگزاری است، یعنی عمدی، تعاملات ما با خدا باید با قلبی شکرگزار آغاز شود.

ما چیزهای زیادی برای شکرگزاری داریم. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که نسبتاً آزاد است، جایی که غذای کافی، سرپناه و لباس داریم، صلح را به جای درگیری می‌شناسیم و خارق‌العاده‌ترین خلقت را در اطراف خود داریم.

در داستان امروز ما، ده نفر از بیماری وحشتناک جذام رنج می‌برند. جذام بسیار مسری است، زخم‌های چرکین و تاول‌مانندی دارد. در نتیجه، آنها مجبور به زندگی در حومه شهر هستند - آنها از نظر جسمی و مذهبی نجس محسوب می‌شوند. بدون شک زندگی و خانواده‌هایشان به دلیل ابتلا به این بیماری مختل شده است. وقتی عیسی از آنجا عبور می‌کند، آنها درخواست رحمت می‌کنند، به دنبال شفقت هستند، به دنبال شفا می‌گردند. عیسی با یک کلام، آنها را نزد کاهن می‌فرستد (کسی که باید او را ببیند تا همه چیز را پاک کند و مطمئن شود که درمان شده‌اند تا بتوانند دوباره وارد شهر و زندگی شوند). ما فرض می‌کنیم که آنها شفا یافته‌اند و به خانواده‌ها و زندگی پر از شادی خود باز می‌گردند - اما این به ما گفته نشده است.

من تعجب می‌کنم که عیسی چه فکری کرده است؟ سپس به طور غیرمنتظره‌ای یکی از آنها برمی‌گردد. او یک سامری است، او دو بار نفرین شده بود، نه تنها بیماری داشت که او را طرد کرده بود، بلکه یک سامری نیز بود که ننگ بیشتری برای او ایجاد می‌کرد. سامری‌ها نژاد منفور بودند، خائن و دشمن محسوب می‌شدند. او برمی‌گردد تا از عیسی تشکر کند.

عیسی شروع به تعجب می‌کند که نه نفر دیگر کجا بودند، چرا برنگشتند؟

سامری‌ها کمی در داستان‌های انجیل ما حضور دارند. زن سامری کنار چاه را به یاد بیاورید، او نیز یک مطرود بود که به شهری که با او بدرفتاری کرده بود برمی‌گردد و از مژده عیسی می‌گوید. یا وقتی عیسی در مورد اینکه همسایه ما واقعاً کیست تعلیم می‌دهد، داستان سامری نیکوکار را برای ما تعریف می‌کند. به نظر می‌رسد سامری‌ها در انجیل‌ها چیزهای مهمی را می‌گویند یا آشکار می‌کنند.

بنابر این، این سامری چه چیزی در مورد ایمان، در مورد آنچه مهم است به ما می‌آموزد. باز هم، به نظر می‌رسد که غریبه، آنچه مهم است را به ما می‌آموزد. رحمت بر هر ده مرد نازل شده بود، همه از نظر جسمی شفا یافته بودند، اما فقط یکی شجاعت بازگشت و تشکر کردن را داشت. او بیش از اینکه فقط برای تشکر کردن برگردد، با ستایش خدا برمی‌گردد و آنها در مقابل عیسی تعظیم می‌کنند. زندگی این مرد

Returning to say thanks

(Sermon preached by Cheryl Williams at Footscray Baptist on October 12th, 2025 – Luke 17:11-19)

واقعاً تغییر کرده است - از نظر جسمی شفا یافته است، اما از نظر روحی اتفاقی افتاده است. او قادر است نقشی را که خدا در زندگی‌اش ایفا کرده است، تصدیق کند. در پاسخ به این، به نظر می‌رسد که او یک نعمت اضافی دریافت می‌کند - عیسی می‌گوید ایمان شما شما را خوب کرده است، برخیزید و به راه خود ادامه دهید، برخیزید و بروید و زندگی خود را زندگی کنید.

داستانی ساده، اما غنی از آموزش. اول، می‌بینیم که رحمت خدا در عیسی به همه، به طردشدگان، به بیگانگان گسترش می‌یابد. ما نمونه‌ای از رفتار درست را می‌بینیم - شکرگزاری، اذعان به خدا. سپاسگزاری، سپاسگزاری را به دنبال دارد، به این سامری نعمت اضافی داده می‌شود.

شما برای چه چیزی سپاسگزار هستید؟

چگونه از دیگران، از خدا، قدردانی خود را ابراز می‌کنید؟

طبق گفته دانشکده پزشکی هاوارد، ابراز قدردانی مزایای زیادی دارد. قدردانی به افراد کمک می‌کند تا احساس مثبت‌تری داشته باشند، به مقابله با سختی‌ها کمک می‌کند و روابط قوی ایجاد می‌کند. افرادی که قدردانی می‌کنند اغلب خوش‌بین‌تر هستند و نسبت به زندگی خود احساس بهتری دارند و افزایش امتیاز شادی را نشان داده‌اند.

لین-مانوئل میراندا، نویسنده نمایشنامه «همیلتون» می‌گوید: «به اطراف نگاه کنید، به اطراف نگاه کنید، چقدر خوش‌شانس هستیم که الان زنده‌ایم.»

بسیاری، برای کمک به سلامت جسمی و روحی خود، نوشتن خاطرات قدردانی را تمرین می‌کنند. قدردانی از دیدگاه مسیحی راهی برای پاسخ عاشقانه به خداست، خدایی که ابتدا ما را دوست داشت.

وقتی در بابتکار کار می‌کردم، تعدادی از مراجعین من افسرده بودند. به طور خاص یک زن بود که هر بار داستان یکسانی را برای من تعریف می‌کرد و فقط گریه می‌کرد. من با او کار کردم تا به او کمک کنم ببیند که هنوز چیزهای زیادی در زندگی‌اش وجود دارد که می‌تواند برای آنها سپاسگزار باشد، او را تشویق کردم که عمداً هر روز چیزی برای سپاسگزاری پیدا کند. وقتی این کار را تمرین کرد، کمک کرد، حالش بهتر شد و با احترام بیشتری با مردم رفتار کرد و کمتر خودخواه بود.

می‌خواهم بدانم آیا این کار را برای هفته یا ماه آینده یا حتی بیشتر انجام دادی، چه اتفاقی ممکن است بیفتد.

در پایان هر روز، می‌خواهم بدانم آیا می‌توانید چند دقیقه وقت بگذارید و سه اتفاق که آن روز افتاده یا سه نفر یا موقعیتی که از آنها سپاسگزار هستید را بنویسید. آنها می‌توانند چیزهای بزرگ یا چیزهای کوچک باشند. به عنوان مثال، وقتی چند روز پیش از کانبرا برمی‌گشتم، در یک قسمت نسبتاً خسته‌کننده و مستقیم از بزرگراه رانندگی می‌کردم و چیزی را دیدم که در کنار جاده حرکت می‌کرد. کمی سرعتم را کم کردم چون فکر می‌کردم ممکن است به جاده بیاورد و از روی آن رد شوم. وقتی نزدیک‌تر شدم، متوجه شدم که یک اکیدنا است و وقتی نزدیک‌تر شدم، او از جاده کنار رفت. من قبلاً فقط یک بار اکیدنا را در طبیعت دیده بودم، خوشحال شدم، روزم را ساخت، و متوجه شدم که از خدا برای آن برخورد و شادی که برایم به ارمغان آورد، تشکر می‌کنم.

هنگام نوشتن لیست خود دقیق باشید. حتی می‌توانید اتفاقات خوبی که برای دیگران می‌افتد را هم فهرست کنید.

من الان یک کارت پخش می‌کنم تا شروع کنید. روی آن، در چند لحظه آینده، سه مورد از اتفاقاتی که در حال حاضر در اطرافتان می‌افتد و بابت آنها سپاسگزار هستید را فهرست کنید.

مردی، یک سامری، برگشت و گفت متشکرم. سپاسگزاری، سپاسگزاری می‌آورد، بیایید همین حالا تمرین آن را شروع کنیم. آمین.